سخنرانی در مراسم عمامه‌گذاری و اهدای جوایز به طلاب نمونه‌ی حوزه در سالروز میلاد حضرت مهدی (عج) - 30 /بهمن/ 1370

بسم الله الرّحمن الرّحيم

خداوند ان‌شاءالله تلبس به این لباس مقدس و تعمم به تیجان الملائکه را بر شما عزیزان مبارك بفرماید. برادران عزیزی که معمم شدند، از این لحظه به‌طور رسمی مسؤولیتشان مضاعف می‌شود. در نظام اسلامی همه مسؤولند ؛ «کلّکم راع و کلّکم مسؤول عن رعیّته» ؛ (1) لیکن بعضی از موقعیتهای اجتماعی، مسؤولیتهای مضاعفی دارد ؛ و لباس ما از جمله‌ی آن موقعیتهایی است که از چند جهت مسؤولیتش مضاعف است: اولاً چون لباس علم است و عالم از دیگران مسؤول‌تر است ؛ بخصوص علم دین است، که اذاعه‌ی (2) علم دین و بیان حقایق الهی، شغل انبیای عظام پروردگار است ؛ ثانیاً چون مردم معتقدند که در ملبسان به این لباس، معنویت و تقوا و ورعی هست. مردمی که در امور مادّی و معنویشان با احتیاط برخورد می‌کنند، به یك روحانی که می‌رسند، احساس اعتماد می‌کنند. با این لباس هر جا باشید، مردم به شما احترام و سلام می‌کنند ؛ وقت نماز بشود، اگر بخواهند از بین خودشان یك نفر را به امامت بگمارند، شما را خواهند گمارد ؛ اینها حاکی از اعتماد دینی مردم به این لباس است ؛ این خود به طور اضافه مسؤولیتی را بر دوش ما بار می‌کند. ما باید کاری کنیم که مشمول آن روایاتی نباشیم که هرکس باطن او از ظاهرش کمتر بود، «فهو ملعون».

مسؤولیت سوم این است که امروز در نظام سیاسی کشور، روحانیت نقش دارد - چون نظام، نظام دینی است - و این نقش در شکلهای مختلف مشاهده می‌شود ؛ از حضور در دستگاهی برای اقامه‌ی نماز جماعت یا بیان احکام دین بگیرید، تا زمامداری جامعه. کارهای دینی و مسؤولیتهایی که متوقف به معرفت دینی است ؛ حتّی خیلی از آنهایی هم که متوقف به معرفت دینی نیست، به روحانیون محول می‌شود ؛ اینها مسؤولیتهای شماست. شما اگر معمم هم نبودید، البته مسؤولیت داشتید. اگر کسی عالم دین باشد و معمم نباشد، البته مسؤولیت دارد ؛ اما اگر معمم باشد، این مسؤولیت مضاعف است ؛ حواستان را جمع کنید.

هر شغل و هر مقامی اقتضائاتی دارد ؛ انسان باید آن اقتضائات را قبول کند. التزام به شیئ، التزام به لوازمش است. با این لباس، از برخی از چیزها باید گذشت. البته در قبال هرچه انسان در دنیا از آن بگذرد، خدای متعال چیزی دارد که «فیه قرّة اعین» ؛ بهترش را خدا می‌دهد. یك جوان همسن شما فرضاً اگر در خیابان راه برود، با رفیقهایش شوخی بکند، قهقهه هم بزند و دنبال یکدیگر هم بدوند، کسی نمی‌گوید چرا ؛ اما شما که معممید، نمی‌شود این کارها را بکنید. حالا این یك مثال کوچك بود ؛ از این قبیل، چیزهایی هست که انسان وقتی وارد جرگه‌ی خاصی شد، باید به اقتضائات و التزامات آن ملتزم باشد ؛ اینها را رعایت کنید.

قدر این عمامه را هم بدانید. اگر ماها به لوازم این عمامه عمل بکنیم، چیز بسیار شریفی است. این لباس، همان چیزی است که دشمن نتوانسته آن را فتح کند. کسانی از اهل این لباس فاسد شدند و در طول تاریخ، فسادشان هم ضررهای بسیار شدید و لطمه‌های بزرگی به اسلام و مسلمین زده ؛ اما دشمن نتوانسته این حصار منیع را فتح کند. با اهل این لباس خیلی هم مبارزه کردند ؛ خیلی هم توی سرشان زدند ؛ خیلی هم دام بر سر راهشان گستردند ؛ اینها در طول این سالهایی بود که ما یادمان است، یا قریب به زمان ما بود ؛ مثل زمان رضاخان که بنده یادم نیست، اما قضایایش را اجمالاً شنیده‌ام. جاها و جاذبه‌هایی درست کردند، تا طلبه را که در مضیقه‌هایی گرفتار می‌شود، از درس و بحث و حوزه به آن‌جاها بکشانند و دهانش را با یك آبنبات شیرین کنند ؛ برای این‌که از این سمت منخلعش کنند.

البته يك عده از سست‌عنصرها و آدمهايى كه آن نضج شخصيتى لازم را نداشتند، رفتند و مجذوب هم شدند ؛ اما آنها قادر نشدند كه اين قلعه را فتح كنند.

اين مدرسه‌ى فيضيه‌يى كه امروز شما مى‌بينيد بحمدالله مظهر و رمز شوكت حوزه‌ى علميه است و نام آن در همه جاى دنيا به‌عنوان يك رايت سربلند و رمز انقلاب اسلامى شناخته مى‌شود، دوره‌هاى گوناگون و سختى را ديده است. در اين مدرسه، علماى بزرگ، مراجع، طلاب، پيران و جوانان را كتك زدند و اتاق طلبه‌ها را غارت كردند ؛ اينها چيزهايى است كه ما يادمان است ؛ قبل از اينها، در اين مدرسه گرسنگيها كشيده شده، سختيها كشيده شده، اهانتها شده است. تحمل آن مشكلات موجب شد كه در اين مدرسه و مافيها - مدرسه كه خشت و در و ديوار است ؛ مراد، آن نيروى انسانى و آن نفَسى است كه در اين مدرسه كشيده مى‌شود - شخصيتى مثل امام به‌وجود بيايد و دنيايى را متحول كند. تحولى كه امام ايجاد كرد، منحصر و محدود به ايران كه نيست - البته آنچه هم كه در ايران انجام گرفته، شبيه معجزه است - ايشان در عالمى طوفان ايجاد كرد ؛ همه‌ى اينها مربوط به استقامت و ايستادگى است.

بايد درس بخوانيد. آدم اين لباس را بپوشد و درس نخواند، يك چيز بى‌معنى است ؛ درست شبيه اين است كه آدم چيزى را غصب كند. اين لباس - به قول معروف - يك انيفرم و لباس متحدالشكلى است ؛ متعلق به طايفه‌ى خاصى است ؛ آن طايفه چه كسانى هستند؟ علماى دين. پس، بايد اين عنوان علما بر آدم صدق كند ؛ والا اگر صدق نكند كه بيخود است.

مى‌دانيد كه علمِ تنها هم كافى نيست. اگر علم باشد و تقوا نباشد، صد رحمت به آن‌جايى كه علم نيست! علم بى‌تقوا، چيز بسيار خطرناكى است.

امروز شما اگر عالم هم باشيد، بسيار با تقوا هم باشيد، اما زمانتان را نشناسيد، آن وقت آسيب‌پذير و لغزش‌پذير و كم‌فايده خواهيد بود ؛ آن طورى كه ديگر حكايتش فصل مفصلى است ؛ «العالم بزمانه لا تهجم عليه اللّوابس». (3) ما كسانى را ديديم كه عالم هم بودند، بى‌دين هم نبودند، اما در دورانى كه مى‌توانستند براى اسلام و مسلمين مفيد واقع بشوند، مفيد واقع نشدند ؛ بعضاً حتّى خدشه‌ها و ضررهايى هم وارد كردند! پس، شد علم و تقوا و آگاهى سياسى و اجتماعى ؛ كه اين آگاهى، سلاحى است كه در اختيار شما قرار دارد. با اين سه خصوصيت، بايد سربازان خط مقدم هم باشيد. بله، اگر طلبه‌يى با اين خصوصيات، واقعاً سرباز خط مقدم انقلاب و اسلام بود، ارزشش خيلى بالا مى‌رود و خيلى شيوايى پيدا مى‌كند.

خداوند ان‌شاءالله همه‌ى شماها را توفيق بدهد و تأييد كند و اين لباس را بر شما مبارك كند و شما را قادر نمايد كه از عهده‌ى اداى حق اين لباس و عمامه بربياييد.

والسّلام عليكم و رحمةالله و بركاته

---

1) بحارالانوار، ج 72، ص 38
2) آشكار كردن
3) تحف‌العقول، ص 356